

آغاز تاریخی فلسفه:

نمی توان برای دانش فلسفه، از نظر زمانی آغازی تعیین کرد. همچنین نمی توان گفت فلسفه

ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است. البته، این سخن درباره همه دانش ها صدق می کند.

هر جا که تمدنی شکل گرفته و پدید آمده، حتما کسانی در آن تمدن بوده اند که درباره اساسی

ترین مسئله های هستی و زندگی بشر می اندیشیده و سخن گفته اند، گرچه آثار مکتوبی از آنان

به ما نرسیده است و ما اطلاعی از آن اندیشه ها و سخن ها نداریم

برخی از تمدن ها آن قدر قدیمی اند که در گذر زمان و آمد و شد حوادث آثار تمدنی آنها از

بین رفته است.

می دانیم که تمدن های قدیمی تر و ساده تر، مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدید تر

بوده اند و دستاورد آنها به تمدن های جدیدتر منتقل شده است.

اطلاعات امروز ما به هیچ وجه نمی تواند تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه دهد، بلکه

می تواند براساس آثار باقی مانده گزارشی اجمالی از دورترین اندیشه های فلسفی را ذکر نماید.

همان طور که در تاریخ فلسفه ها آمده است، گزارش معتبر و قابل اعتمادی از جریان فلسفه

در سرزمین آتن و تمدن یونان، در قرن های چهارم و پنجم پیش از میلاد، در دست می باشد. به

همین جهت برخی از تاریخ فلسفه نویسان اروپایی تاریخ فلسفه خود را با یونان آغاز کرده اند.

اندیشه های فلسفی یونان ریشه در اندیشه های فلسفی تمدن مصر، بین النهرین و ایران باستان دارد.

اولین فیلسوفان یونان

تاریخ فلسفه نویسان غرب غالباً از یونان و فلاسفه یونانی پیش از سقراط آغاز می کنند و معمولاً **تالس** را **نخستین فیلسوف یونانی** معرفی می نمایند.

تالس نخستین فیلسوف یونانی :

تالس در قرن ششم پیش از میلاد می زیسته است. پیش از تالس اندیشه های اسطوره ای و تخیلی و افسانه های مربوط به خدایان و جنگ ها و درگیری های آنان میان مردم رواج داشت. از تالس هیچ گونه نوشته ای باقی نمانده است و تنها از روی نوشته های فیلسوفان بعدی می توان از افکار او آگاه شد..

فیثاغورس پایه گذار ریاضی و هندسه .

یکی از پایه گذاران فلسفه است.

او ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد. ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می گوید : « فیلسوفانی که به نام فیثاغورسیان خوانده می شوند، نخستین کسانی بوده اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند.»

گزنوفانس معتقد به خدای یگانه :

در مختصری از آثار باقی مانده وی ، به روشنی از خدای یگانه یاد می کند .

« فقط یک خدا، بزرگ ترین خدا در میان خدایان و آدمیان، که نه در صورت، شبیه مخلوقات فانی است و نه در فکر و اندیشه»، خدایی که « همیشه ثابت است و حرکت ندارد و این گونه نیست که گاهی اینجا باشد و گاهی آنجا »